

خلع سلاح اتمی برای همه کشورها، نه تسلیم به خواست امپریالیسم

چند هفته پیش، کردهمایی بررسی تجدید قرارداد عدم بسط و توسعه سلاح های اتمی در سازمان ملل متحد برگزار کردید. هدف امپریالیسم تجدید بی چون و چرا و نامحدود این قرارداد است. از سال ۱۹۷۰ تاکنون این قرارداد به امضای ۱۷۵ کشور از ۱۸۵ عضو سازمان ملل رسیده است. کشورهای اسرائیل و پاکستان از امضای این قرارداد خودداری کرده اند. اسرائیل که طبق برآورد منابع غربی ۲۰۰ کلاهک اتمی و یا حداقل توانایی تولید فوری آن ها را دارد- اطلاعاتی که دولت اسرائیل تاکنون تکذیب نکرده است- تحت هیچگونه فشاری از جانب امپریالیسم برای امضا و یا حتی مذاکره در مورد این قرارداد نیست. معاون وزیر امور خارجه اسرائیل، یوسی ادامہ در ص ۲

آیا برپایی دگرباره سوسیالیسم محتمل است؟

دلایلی نه اندک وجود دارد که تأیید می کند که «پرسترویکا» پیشگام در انهدام سوسیالیسم بوده است. این طرح نه در نتیجه نارضایی به کمال رسیده توده های وسیع مردم، بلکه از خارج به موقع اجرا گذاشته شد. به این برنامه براساس سناریویی که به وسیله سرویس های اطلاعاتی خارجی و همکاری بخشی از نخبگان کشورهای سوسیالیستی تنظیم شده بود جامعه عمل پوشانده شد. این فرایند بفرنج، که بحث های جدی میان بخش عظیمی از معاصران ما بر می انگیزد، بررسی پیچیده و آزمون اجتماعی، تجزیه و تحلیل عینی، همه دستاوردهای سوسیالیسم را ایجاب می کند. برای آنکه عینیت ارزیابی ها مطمح نظر قرار گیرد لازم است بر اطلاعات سازمان های بین المللی و آراء مولفانی متکی بود که نمی توان آنان را به دلیستگی به سوسیالیسم متهم کرد.

در بررسی ها و تحقیقات جدی سازمان ملل متحد نیز اثری از تشریح بحران اقتصادی اتحاد شوروی در دوران پیش از فروپاشی یافت نمی شود و آن را در گزارش های محرمانه سرویس های اطلاعاتی نیز به زحمت می توان جست. این نشانه ها و آثار بحران اقتصادی بعدا نیز به وسیله طرفداران خودی و بیگانه تامل در تاریخ و سیاست مطمح نظر در گذشته، ثبت نشده اند.

با وجود این، بررسی ها و تحقیقات مربوط به مسأله اقتصاد جهانی، که در سال های ۱۹۸۹-۱۹۸۸ از سوی سازمان ملل متحد انتشار یافته به گونه ای در خور ملاحظه به پیش بینی رشد تولید ناخالص ملی در کشورهای اروپایی واجد اقتصاد مبتنی بر برنامه (۳/۷٪ در سال ۱۹۸۹، و ۳/۵٪ در سال ۱۹۹۰)، در قیاس با کشورهای برخوردار از توسعه اقتصادی (به نسبت های ۲/۵ و ۱/۶ درصد) پرداخته است. شکفت انگیزتر، پیش بینی هایی است که براساس آن، کشور های واجد اقتصاد برنامه ای متمرکز می بایست تا پایان سده جاری با آهنکی بسیار سریع تر (۴٪) از آمریکای شمالی (۲/۶٪) و جامعه اقتصادی

ادامه در صفحات ۸ و ۷



شماره ۴۵۴، دوره هشتم
سال یازدهم، ۲ خرداد ۱۳۷۴

حزب توده ایران دخالت کشورهای خارجی در امور داخلی ایران را محکوم می کند!

بالاخره پس از ماهها سرو صدای تبلیغاتی از سوی محافل هیئت حاکمه آمریکا، کلیتون، در روز یکشنبه ۱۰ اردیبهشت ماه (۲۰ آوریل) تحریم اقتصادی ایران از سوی این کشور را اعلام کرد. بر اساس گزارش مجله آمریکایی "نیوزویک" این تحریم اقتصادی برای دولت و شرکتهای آمریکایی میلیاردها دلار خرج در برخواهد داشت. "نیوزویک" می نویسد: «به نظر صاحب نظران اقتصادی تحریم دولت آمریکا به قطع خرید ۴ میلیارد دلار نفت ایران و ۳۰۰ میلیون دلار داد و ستد در دیگر عرصه ها توسط شرکت های آمریکایی منجر خواهد شد» ("نیوزویک"، ۱۵ مه ۱۹۹۵).

حزب توده ایران در هفته های گذشته ضمن ابراز نگرانی از تشدید مداخلات محافل هیئت حاکمه آمریکا در ایران، صریحا اعلام کرده بود که با هرگونه دخالت خارجی در ایران بشدت مخالف است. (نگاه کنید به «نامه مردم» ۴۴۸ - ۹ اسفند ۷۳).

ادامه در ص ۲

در دیگر صفحات: صد ده ویران بنام آبادی!

ص ۳

بیانیه ۸۶ نفر هم میهن نگران از وضع آشفته کشور

شرایط بحرانی کنونی که با آن دست به گریبان گشته ایم، بیش از هر چیز عامل ساختار حاکمیتی است که اصل حاکمیت ملت را باور ندارد و از مشارکت مردم در کار تعیین آزادانه سرنوشت خود، نگران است...

هر قیمت که بخواهد کرانی سرسام آور را بر کرده مردم این سرزمین تحمیل کند. عمده واحدهای تولیدی به رکود و ورشکستگی و تعطیل تهدید می شوند و جان مردم در برابر کرانی افسار کسبخته ای که از مرز ماه و هفته و روز گذشته و ساعت به ساعت در حال افزون گشتن است، به لب رسیده است عرصه بر اکثریت عظیم مردم به ویژه حقوق بگیران روز به روز تنگ تر می شود. جان کلام آنکه قدرت تولید جامعه به گونه ای وحشتناک دچار سقوط گردیده و به دلیل نبود ثبات و امنیت، حرکتی درکار سرمایه گذاری صورت نمی پذیرد و بخش عظیمی از مردم این سرزمین با بیکاری و فقر سیاه دست به گریبان هستند. طبیعی است در جامعه ای که فقر در آن حکمفرما باشد، فساد گسترده و بسیاری از پدیده های نگران

به نام خدا
هموطنان عزیز
میهن ما، با مشکلات و مصائب بزرگی دست به گریبان است و چشم انداز آینده کشور با روایی که پیش گرفته شده است نگران کننده است.

حاکمیت گروهی خاص و مدیریت اغلب ناتوان و بعضا سودجو موجب گردیده است که روز به روز مسائل و مشکلات بیشتر و امید به بهروزی و بهبودی کمتر شود. نبود برنامه ریزی منسجم و آگاهانه در زمینه بهره برداری بهینه از منابع انسانی و طبیعی کشور، موجب گشته است که امروز میهن ما بحرانی ترین دوران حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود را بگذراند و دستگاه حکومت برای حفظ خود، با فروش مسکوک طلا و ارز بدست آمده از فروش نفت به

ادامه در ص ۶

زنده باد آزادی، استقلال، صلح و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم «ولایت فقیه»!

حزب توده ایران ...

طرح مساله «خطر دستیابی ایران به سلاح های هسته ای» که به عنوان دلیل اصلی حرکت اخیر اعلام گردیده است، بهانه ای بیش برای پنهان کردن علل واقعی این اقدام دولت آمریکا نیست. اعلام خیر تحریم اقتصادی ایران از سوی کلینتون، در جریان برگزاری مراسم شام کنکره جهانی یهودیان در نیویورک، از یکسو نشانگر تاثیر گسترده محافل صهیونیستی و وابسته به دولت اسرائیل در تصمیم گیری اخیر است و از سوی دیگر نشان می دهد که با نزدیک تر شدن انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، هم کلینتون و هم مخالفان او در کنکره و مجلس سنای آمریکا در پی بدست آوردن رای جامعه پرنفوذ یهودیان آمریکا برای خود می باشند.

عامل دیگری که بی تردید در اتخاذ تصمیم دولت آمریکا نقش مهمی داشته است، تشدید بحران اقتصادی - اجتماعی ایران، رشد ناراضیاتی توده ها، بی ثباتی بیش از پیش رژیم و خواست امپریالیسم بر تاثیر گذاری مستقیم و جدی بر روند حوادث آتی کشور ما است. مساله ای که بنظر می آید در ماه های اخیر میان وارن کریستوفر و همکاران اروپایی او در آلمان، فرانسه، ژاپن و بریتانیا در فرصت های گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است، مساله اتخاذ يك سیاست هماهنگ و واحد در مقابل دولت جمهوری اسلامی است. سران رژیم در ماه های اخیر با اعزام هیئت های نمایندگی گوناگون به کشورهای غربی تلاش کرده بودند تا خصوصاً در زمینه بازپرداخت بدهی های معوقه ایران و دریافت اعتبارات جدید نظر مساعد دولت های غربی را جلب کنند. سخنان مسالمت جویانه رفسنجانی خطاب به دولت آمریکا و فراخواندن آنها به اتخاذ «سیاست های واقع بینانه» که در روزنامه «اطلاعات بین المللی»، (۲۸ فروردین ماه) درج گردید، بخشی از این مانورهای دولت درمانده جمهوری اسلامی را نشان می دهد. واقعیت این است که سران رژیم به خوبی آگاه هستند که تشدید فشار اقتصادی آمریکا و غرب بر دولت ایران، می تواند موقعیت کنونی آنان را بیش از پیش متزلزل کند. سقوط سنگین نرخ برابری ریال در مقایسه با سایر ارزهای خارجی، در دو هفته اخیر، و رشد مجدد قیمت ها تنها بخشی از اثرات اقتصادی است که می تواند با تشدید فشار امپریالیسم بر ایران دوچندان گردد.

مساله دیگری که برای امپریالیسم و متحدش در منطقه یعنی دولت اسرائیل از اهمیت ویژه ای برخوردار است نقش دولت جمهوری اسلامی در روند صلح خاورمیانه است. حمایت ایران از نیروهای تندروی اسلامی، خصوصاً در مناطق اشغالی، که در ماه های اخیر با تشدید حملات خود نگرانی های جدی دولت صهیونیستی را فراهم کرده اند، از جمله مسایلی است که دولت آمریکا امیدوار است با تشدید فشار های خود بر جمهوری اسلامی،

دولت آمریکا خوب می داند که با تشدید ناپسامانی های اقتصادی، اوجگیری برخوردهای مردمی و بالاخره تشدید برخوردهای درون حاکمیت، روند فرورپاشی رژیم جمهوری اسلامی دیر یا زود به سرانجام خود نزدیک خواهد شد. هدف سمت و سو دادن و در تحلیل نهایی در اختیار گرفتن این تحولات و تحمیل آلترناتیو امپریالیستی بجای يك آلترناتیو مترقی و دموکراتیک است. بر این اساس است که حزب توده ایران علی رغم عوام فریبی ها و کارزار وسیع تبلیغاتی دولت آمریکا این حرکت را در تضاد مستقیم با منافع مردم کشور ما می داند و با آن بشدت مخالف است.

رژیم را به تغییر موضع در این زمینه وادار سازد. واقعیت امر اینست که دولت جمهوری اسلامی ایران با توجه به تغییر توازن نیروها در عرصه بین المللی و از جمله خاورمیانه و با توجه به مشکلات و گرفتاریهای درونی کشور از ماهها قبل تلاش کرده است که جلو امکان تشدید فشار از سوی غرب و آمریکا را سد کند. حرکت دست به عصای رژیم در اجرای سیاست خاورمیانه ای خود که اساساً جنبه تبلیغاتی خود را حفظ کرده است، گواه بر این مدعاست.

اما، مهمترین مساله ای که در این عرصه توجه به آن، از سوی همه نیروهای مترقی از اهمیت ویژه ای برخوردار است، موضوع اهداف دراز مدت امپریالیسم آمریکا در رابطه با سرنوشت کشور ما ایران است. بر کسی پوشیده نیست که ایران به مثابه يك قدرت منطقه ای، در یکی از حساس ترین مناطق استراتژیک جهان، یعنی گذرگاهی که بخش مهمی از نفت جهان از آن عبور می کند، کشوری است که در برنامه ریزی استراتژیک امپریالیسم و ارتجاع منطقه جای ویژه ای را به خود اختصاص داده است. هرگونه تغییر و تحول مترقی و دموکراتیک در ایران می تواند عواقب بسیار نگران کننده ای برای رژیم های ارتجاعی و منافع امپریالیسم در منطقه به همراه داشته باشد. فراموش نکنیم که پیروزی انقلاب شکوهمند بهمن ۵۷ و سرنگونی رژیم وابسته شاهنشاهی که «جزیره ثبات» سرمایه داری جهانی در منطقه بود آغاز کر چنان تحولاتی در خلیج فارس و خاورمیانه بود که تمامی نیروهای ارتجاعی منطقه را برای مقابله و شکست آن بسیج کرد. ده ها توطئه گوناگون، تحمیل يك جنگ خانمانسوز از سوی رژیم جنایتکار صدام حسین، با تأیید مستقیم ارتجاع محلی و دولت های غربی تنها گوشه ای از تلاش هایی بود که سرانجام به متوقف ساختن انقلاب بهمن ۵۷ و حرکت قهقرایی آن منجر گردید.

دولت آمریکا خوب می داند که با تشدید ناپسامانی های اقتصادی، اوجگیری برخوردهای مردمی و بالاخره تشدید برخوردهای درون حاکمیت، روند فرورپاشی رژیم جمهوری اسلامی دیر یا زود به سرانجام خود نزدیک خواهد شد. هدف سمت و سو دادن و در تحلیل نهایی در اختیار گرفتن این تحولات و تحمیل آلترناتیو امپریالیستی بجای يك آلترناتیو مترقی و دموکراتیک است. بر این اساس است که حزب توده ایران علی رغم عوام فریبی ها و کارزار وسیع تبلیغاتی دولت آمریکا این حرکت را در تضاد مستقیم با منافع مردم کشور ما می داند و با آن بشدت مخالف است.

مساله مبارزه علیه رژیم استبدادی کنونی و فراهم آوردن زمینه برای استقرار آزادی،

دموکراسی و طرد رژیم «ولایت فقیه» مساله ای است که به مردم میهن ما و نیروهای سیاسی ایران مربوط است و نه به هیچکس دیگر. هیچ نیروی میهن دوست و طرفدار آزادی و رهایی ایران نمی تواند در مقابل این دخالت های آشکار و ضد ملی سکوت اختیار کند. تاریخ اخیر کشور ما بارها اثبات کرده است که امپریالیسم، تنها خواهان فراهم آوردن شرایط بهره کشی و استثمار ملت ما است و کوچکترین علاقه ای به سرنوشت واقعی مردم و خصوصاً زحمتکشانش نداشته و در آینده نیز نخواهد داشت. از توطئه ننکنین کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، که يك رژیم دیکتاتوری و ضد مردمی را به جای دولت ملی و منتخب مردم برای بیش از ربع قرن به کشور ما تحمیل کرد تا سازماندهی جنگ دهشتناک ایران و عراق که به قتل عام صدها هزار انسان و تخریب عظیم توان اقتصادی میهن ما منجر گردید، سندهای خونین امیال جنایتکارانه امپریالیسم آمریکا در ایران است. آن گروه از نیروهای سیاسی ایران که برای اقدام های دولت کلینتون پای کوبی می کنند، چه سلطنت طلبانی که برای بازگشت به ایران چشم امیدشان به خارج از ایران است، و چه نیروهایی که مدتهاست اعتقاد خود را به منافع مردم ما از دست داده اند و تنها برای تأمین منافع گروهی - فرقه ای خود با جمهوری اسلامی مبارزه می کنند، با اتخاذ چنین سیاست هایی چیزی جز بدنامی بیشتر برای خود نخواهند خرید.

حزب توده ایران ضمن محکوم کردن این اقدام دولت آمریکا علیه ایران، بار دیگر یادآور می شود که تنها با متحد شدن همه نیروهای ملی و آزادیخواه است می توان امیدوار بود تا مردم ما بتوانند سرانجام شاهد استقرار آزادی و دموکراسی در ایران باشند. تنها يك جنبش واقعاً نیرومند مردمی و دموکراتیک متکی به توده های محروم و زحمتکشانش است که می تواند تأمین کننده این خواست در میهن ما باشد. برای سازماندهی چنین جنبشی تلاش هدفمند، آگاهانه و دشوار همه نیروهایی که به آزادی ایران و استقرار عدالت اجتماعی برای میلیون ها نفر توده محروم و زحمتکش می اندیشند، ضروری است. باید ضرورت لحظه را دریافت و در این شرایط فوق العاده حساس و سرنوشت ساز با کنار گذاشتن منافع گروهی - فرقه ای با دیدی گسترده که منافع ایران و مردم را مد نظر داشته باشد کام های عملی لازم را برای ایجاد ائتلافی وسیع و دموکراتیک که هدفش رهایی ایران از بند استبداد و عقیم گذاردن برنامه های شوم امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا باشد، برداشت.

صده ویران بنام آبادی!

نمود. با این خیال که حیطه های علمی را به تسخیر خود درآورند. آخرین حرکت رهبران رژیم در نگرش تجاری خود به علم، تاسیس مجتمع هایی به نام دانشگاه آزاد بود که در هر کوی و برزنی هراتچه که به نام چهاردیواری اجاره ای و قصبی گیر آوردند تابلوی دانشگاه برسر آن آویختند تا آنجا که حتی برخی از مجتمع های سابق اداری نیز از این تهاجم فرهنگی در امان نماند و پزشکی را وادار کرد پیشنهاد نماید "در تمامی دانشگاههایی که از شرایط لازم برای دانشکده پزشکی فقط میز و نیمکت و تابلوی دانشکده پزشکی را دارند بسته شوند" ("کیهان" - ۱۳ فروردین). در چنین به اصطلاح دانشگاهها با اخذ مبالغ کلانی به نام شهریه برکه هایی به نام پایان نامه تحصیلی به دست جوانان می دهند که وزارت علوم و آموزش عالی رژیم هم از ارزش یابی آن خودداری می نمایند!! سردمداران رژیم هر از گاهی که با آمار و ارقام به گمراه کردن افکار عمومی می پردازند رشد کمی دانشجویان و دانشگاهها را نیز در ردیف این گونه دستاوردها قرار می دهند و آن را تحویل مردم می دهند و آخرین آماری را هم که رفسنجانی در اولین نماز جمعه سال نو تحویل مردم داد از این دست بوده است. وی رشد کمی تعداد

به ابتذال کشاندن علوم و آموزش عالی در سطح جامعه یکی از بزرگ ترین ضربه هایی است که حکام رژیم "ولایت فقیه" بر پیکر فرهنگ ما وارد آورده اند و آن را از شایستگی خود تهی ساخته اند. به بند کشاندن فرهیختگان علم و دانش و کشتار و قتل و عام آنان با تهمت ها و ترفندهای گوناگون و در بهترین حالت اخراج از مناصب علمی و خانه نشین ساختن آنان از جمله ضرباتی بود که برهرم هدایت کننده این قشر وارد شد. بستن دانشگاهها و مدارس عالی و اخراج و دستگیری و تصویب دانشجویان انقلابی و میهن دوست قدم بعدی این حمله شمشیر بر قلم بود... و تدارک دهها مانع ایدئولوژیکی برای جوانان شایسته ورود به دانشگاهها و انباشتن از دانشجویان سهمیه ای و تهی ساختن محتویات کتب دانشگاهی از محتوای علمی و تخصصی آن آخرین ضربه ای بود که قافله مداران به اصطلاح متعهد رژیم برسر علم و تخصص آوردند و آن را تا سطح دروس حوزه ها و فیضیه ها تنزل دادند. زمانی که با طرح شعار "وحدت حوزه و دانشگاه" نتوانستند علم را تا حد معتقدات فردی پائین بکشاند به گشایش مجتمع هایی پرداختند که به طلبه های دینی، تیتراهای علمی واگذار می

دانشجویان و مراکز آموزش عالی را یکی از دستاوردهای مثبت رژیم خود معرفی نمود و آن را به عنوان موفقیت دولت کریمه خود تحویل مردم داد. اما واقعیت آن است که رئیس دانشگاه ارومیه بدان اشاره می کند، وی می گوید: "تعداد مراکز آموزش عالی (دولتی و غیردولتی) بدون رعایت استانداردهای لازم، باعث کاهش کیفیت آموزش عالی در کشور می شود... و خاطر نشان می سازد که يك ده آباد به از صد شهر خراب است" (کیهان ۱۶ فروردین). رفسنجانی تمام این خرابی ها را به نام آبادی می خواند. امسال صدها هزار نفر از جوانان شایسته ای که مغلوب غول کنکور ایدئولوژیکی رژیم گردیده اند چاره ای نخواهند داشت با صرف مبالغ کلانی در این خرابی ها خود را بنام کسب علم و تخصص مشغول سازند. زمانی که رئیس دانشگاه صنعتی امیرکبیر از "افت تحصیلی دانشجویان دانشگاهها" صحبت می کند و دلیل آن را "نارسایی در سیستم آموزش و پرورش گزینش دانشجویان" تلقی می کند (کیهان ۱۴ فروردین) رفسنجانی آنها را موفقیت دولت خود معرفی می کند و دستاورد های عظیم جمهوری اسلامی هر آنچه که امروزه در جامعه فلك زده ما می گذرد ریشه در سیستم عقب مانده رژیم "ولایت فقیه" دارد و سیستم آموزشی نیز از آن استثنائی باشد.

*** **

مردم بی گناه گردید. در ۲۵ سال پس از آن، کشورهای انگلستان، فرانسه، اتحاد شوروی و چین به سلاح های اتمی دست یافتند. طبق قرارداد ۱۹۷۰ فقط این ۵ کشور می توانند سلاح های اتمی داشته باشند. با فروپاشی اتحاد شوروی، بلاروس، اوکراین و قزاقستان نیز دارای سلاح های اتمی شدند. اما هر سه کشور پذیرفتند که قرارداد عدم بسط و توسعه سلاح های اتمی را بعنوان کشورهای غیر اتمی امضا کرده و سلاح های اتمی خود را به روسیه تحویل دهند.

توده مردم جهان که در زمان جنگ سرد از حمایت اردوگاه سوسیالیسم علیه زورکوبی ها و تهدیدات امپریالیسم برخوردار بودند، اکنون شاهد یکه تازی امپریالیسم در حد بی سابقه می باشند. با دگرگونی توازن نیروهای جهانی، اکنون خطر جنگ هسته ای بشریت را بیش از پیش تهدید می کند.

صلح جهانی منوط به خلع سلاح کامل اتمی همه کشورهای جهان است. برای دستیابی به این صلح لازم است که همه کشورها این قرارداد را امضا کنند. همچنین ۵ کشور دارای سلاح های اتمی باید مذاکرات همه جانبه خود را برای خلع سلاح کامل اتمی بطور جدی شروع کرده و پیشرفت این مذاکرات را از طریق نهادهای ذیصلاح سازمان ملل در اختیار همه کشورها قرار دهد.

تکنولوژی هسته ای، بلکه حتی برای صادرات نفت و واردات دارو و مواد غذایی طبق قطعنامه های سازمان ملل رفتار کند و پاسخگو باشد. در واقع مردم عراق نه تنها تحت ستم رژیم صدامی قرار دارند، بلکه تمامیت ارضی و سرنوشت ملی خود را در اسارت امپریالیسم می بینند.

نگرانی امپریالیسم درباره موافقت نامه دولت یلنسن با رژیم استبدادی ایران برای فروش يك میلیارد دلار رآکتور اتمی سبک آب در همین چارچوب است. بهروز مرادی، دیپلمات دولت ایران در سازمان ملل، اظهار داشت که این تبلیغات برای منحرف کردن افکار عمومی از خودداری دولت اسرائیل از امضای این قرارداد می باشد. دولت ایران پیشنهاد افزودن تبصره ای دارد که به موجب آن خرید تکنولوژی برای موارد «صلح آمیز» آزاد باشد. حسنی مبارک رئیس جمهور مصر نیز در سخنرانی خود در این گردهمایی خواستار امضای قرارداد از جانب اسرائیل شد.

کشورهای دیگری نیز در اعتراض به پیشنهاد تمديد بی چون و چرا و نامحدود این قرارداد، خواستار خلع سلاح کامل همه کشورهای دارنده سلاح های اتمی شده اند. آمریکا تنها کشوری است که از اسلحه اتمی در سال ۱۹۴۵ در شهرهای هیروشیما و ناگازاکی استفاده کرده است که باعث کشتار وحشیانه

خلع سلاح اتمی برای ...

بی لین در سفر اخیر خود به قاهره اعلام داشت: «... ما هنگامی می توانیم در مورد يك منطقه غیر اتمی مذاکره کنیم که با همسایگان خود در صلح باشیم...» از دید دولت اسرائیل این «صلح» شامل همه کشورهای منطقه از جمله عراق و ایران نیز می شود.

در دوره ریاست جمهوری جورج بوش، دولت نظامی پاکستان تکنولوژی هسته ای را برای تولید سلاح اتمی از آمریکا دریافت نمود. اگر چه خانم بوتو در سفر اخیر خود به واشنگتن بر استفاده «صلح آمیز» از این تکنولوژی تاکید نمود ولی این کشور تاکنون از امضای قرارداد عدم بسط و توسعه سلاح های اتمی خودداری کرده است.

تهدید کره شمالی از جانب آمریکا و مانور کارتر با دستاویز این قرارداد گونه بارز دخالت های امپریالیسم در امور کشورهای مستقل است. اصرار آمریکا برای تحویل تکنولوژی از کره جنوبی به کره شمالی این مذاکرات را به بن بست کشانده است.

نمونه دیگر دخالت امپریالیسم حمله نظامی و سرکوب وحشیانه مردم عراق در «جنگ خلیج» (فارس) بود. رژیم صدام حسین وادار شده است نه تنها برای دستیابی به

رژیم "ولایت فقیه" در تنگنای بحران های درونی و بیرونی که خود آفریده است

شماره‌هایی که رژیم حاکم بر ایران نه در تناسب و سازگاری با ماهیتش، بل به صورت تظاهر و نمایش سنتی- یادآور تعزیه گردانی های کهن و دیرپایش- از همان آغاز استیلایش، ورد زبان خود و سیاهی لشکر «حاضر در صحنه» خود ساخت، و نیز شیوه های کشورداری انسان ستیزانه اش- با کشتارها و اعدام های درونی، در زندان ها و کوچه و خیابان ها، و ترورها و حادثه آفرینی ها در نقاط مختلف جهان- که «رکود» را در این راستا به نام وی ثبت کرده است، سرانجام، آثار و نتایجی را که پیش بینی آن از همان آغاز، دشوار نبود، اینک به تدریج به بار می آورد.

بحران نان، آنچه می تواند بنا به سوابق تاریخی، سرنوشت ساز باشد

به گزارش و تأیید خبرگزاری ها افزایش چشم گیر بهای نان موجی از خشم و نگرانی در میان مردم ایران برانگیخته است. خبرگزاری ها همچنین اعلام کردند که مردم در نانوائی ها آشکارا لب به ناسزا می کشانند، و در مراکز فروش نان، فضای تشنج به وجود آمده است. به گزارش خبرگزاری "رویتر" بهای نان های تافتون، بربری و سنکک و همچنین سایر کالاهای مورد نیاز مردم دو برابر شده است. حال آنکه حداقل دستمزد فقط ۵۳۳ تومان است. بر اثر افزایش بهای نان، قیمت برنج نیز به مقدار زیاد ترقی کرده است. روزنامه "ایران" برای نخستین بار سکوت را شکست و در خبری ملخص نوشت: "نانوایان تهران از روز دوشنبه ۱۱ اردیبهشت قیمت نان را افزایش داده اند". این روزنامه گزارش داد که در بسیاری از نانوائی ها نان سنکک ۱۵ تومان، نان بربری ۴ تومان و لواش و تافتون ۲۵ ریال فروخته می شود...

و گناهکار- به تشخیص رژیم- مردمی هستند که جز نان چیزی ندارند که شکم بدان پر کنند!

دری نجف آبادی، رئیس کمیسیون بودجه و برنامه مجلس شورای اسلامی، ضمن بیان مطلبی درباره علت گرانی و تورم، که دو روزنامه کیهان تهران چاپ شد، مردم را متهم کرد که «بر اثر زیاده روی در مصرف نان» باعث افزایش سوبسید آرد شده اند. وی گذشته از افزایش جمعیت، ازدیاد مصرف مردم را علت گرانی و تورم دانست! حال آنکه مهم ترین علل تورم و گرانی، اقتصاد بیمار و رهبری و ساختار فاسد اداری کشور است. روزنامه "ایران نیوز" در مقاله ای انتقادی، دولت رفسنجانی را به ندانم کاری و فراهم سازی موجبات سقوط اقتصادی متهم ساخت و نوشت: دو برابر شدن



قیمت نفت و سوخت های دیگر باعث افزایش بی سابقه بهای کالاها شده و دولت در مبارزه با بحران و گرانی، شکست خورده است.

آنچه دری نجف آبادی ها نمی بینند یا برای قلب حقیقت، نادیده می گیرند

خبرگزاری "فرانسه" اعلام کرد: بر اثر افزایش تورم و گرانی روز افزون مایحتاج عموم، نارضایتی شدت یافته است و مردم از خود می پرسند «این وضع به کجا می انجامد؟» این خبرگزاری در ادامه گزارش خود نوشت: «پس از نوروز، بهای کالاهای مورد نیاز عموم رو به افزایش نهاد و علت آن نیز دو برابر شدن بهای سوخت از طرف دولت بود». به گزارش همین خبرگزاری، بهای نان از ۲۵ تا ۵۰ درصد افزایش یافته است. یک بانو به نماینده این خبرگزاری گفت: «مغازه ها پر از انواع کالاهاست، ولی چه کسی می تواند آن ها را بخرد؟» خبرگزاری فرانسه همچنین اعلام کرد: «افزایش بهای کالاها و خدمات، به میزان دو برابر، نه تنها به زندگی مستضعفان، بلکه به قشر متوسط، روشنفکران و عامه حقوق بگیران لطمه زده است؛ تنها موضوع گفتگوی مردم در همه جا گرانی و این مساله است که آیا دولت می تواند گرانی را مهار کند؟». همین خبرگزاری از ایران گزارش کرد: «بهای برنج از کیلویی ۲۰۰ تومان به ۶۰۰ تومان افزایش پیدا کرده، قیمت کره، پنیر، سبزی ها و میوه ها دو برابر و وسایل برقی سه برابر شده است». خبرگزاری فرانسه ضمن اعلام این خبر که بهای دلار از ۵۰۰ تومان فراتر رفت، نوشت: «کارمند یک بانک به نماینده این خبرگزاری گفت: «حقوق ما به ریال و خرجمان به دلار است؛ حتی میوه و سبزی ها برپایه دلار فروخته می شود». روزنامه "کیهان"، چاپ تهران، ارزیابی کرد که یک خانواده پنج نفری باید ماهانه ۱۰۰ هزار تومان درآمد داشته باشد، حال آنکه از حدود ۲۰ تا ۳۰ هزار تومان تجاوز نمی کند. روزنامه "سلام" نیز از قول یک شهروند نوشت: «آیا یک کارمند جزء با عائله ۵ نفری، با حقوق کمتر از ۱۵ هزار تومان می تواند صبحانه نان و پنیر، ناهار آبکوش و شب نان و پنیر داشته باشد؟»

بحران پولی و «راه حل» اعدام

روزنامه "کیهان"، چاپ تهران، نوشت: بحران بازار ارز و سکه طلا به اوج خود رسید. هاشمی رفسنجانی بر اثر نگرانی از این بحران شدید، سکوت چند روزه را شکست و تهدید کرد که با اخلاکوران ارزی به شدت برخورد و احتمالاً آنان را اعدام خواهد کرد. رفسنجانی که می گوید: «اختلال بازار ارز را نمی تواند تحمل کند»، و به نوشته روزنامه "سلام"، «در آستانه تصمیم قاطع علیه اخلاکوران و سودجویان داخلی است»، آیا اعمال این تصمیم را از توبه فرمایان حکومتی از جمله محسن و مرتضی رفیق دوست آغاز خواهد کرد؟ آیا او نمی داند ۱۲۲ میلیارد تومان اختلاس شده از بانک صادرات به حساب بانکی چه کسانی در داخل یا خارج ارزی شده است؟ او دیگران را سپر بلا می کند و می گوید: «یکی از دلایل بحران ارز این است که بازرگانان، ارز صادر شده را به ایران باز نمی گردانند».

روزنامه "سلام" افزایش نرخ دلار را تا ۶۲۵ تومان گزارش کرد، و روزنامه "جمهوری اسلامی" نوشت: «بهای آن به ۶۲۰ تومان رسید ولی خرید و فروش نمی شد». لیکن گزارش های غیر رسمی حاکی از آن بود که بهای دلار، روز ۱۸ اردیبهشت از مرز ۷۰۰ تومان گذشت و قیمت سکه بهار آزادی نیز به ۷۲ هزار تومان رسید.

رفسنجانی هر لحظه یکی را گناهکار می شمارد

وی دوباره تصویر خوش بینانه ای از اقتصاد ایران ارایه کرد و گفت: بروید به شهرستان ها و ببینید که مردم از آب و برق و امکانات دیگر برخوردارند. او سپس علت بحران ارزی کشور را افزایش تقدینگی مردم دانست (به جای بازرگانان، این بار مردم را گناهکار شمرد، مردمی که آه ندارند تا با ناله سودا کنند!). وی که ظاهراً از افزایش بهای ارزها ابراز نگرانی می کرد، اخلاکوران را تهدید کرد و آنان را مستحق مرگ دانست و گفت «قانون نیز این را پیش بینی کرده است». وی از طرف دیگر گناه را به گردن آمریکا و اسرائیل انداخت (مشکل چهارتا شد) و گفت: «آنان به وسیله عوامل خود کام مردم را از احساس لذت و طعم شیرین «خدمات» دولت محروم کرده اند!»

گناهکار اصلی به زبان «ایران نیوز»: لیکن «ایران نیوز»، چاپ تهران، که پیشتر بدان استناد کردیم در بیان علت بحران از ندانم کاری رئیس جمهور حکومت اسلامی سخن به میان آورد و نوشت: دو برابر شدن قیمت نفت سفید و گازوئیل و بنزین از سوی دولت، باعث بالا رفتن بی سابقه بهای کالاها شده است. به نوشته این روزنامه «دولت در مبارزه با بحران شکست خورده و اقتصاد ایران در حال سقوط است».

روسیه

بیش از ۳ میلیون نفر از زحمتکشانش روسیه در ۶۰ شهر سراسر روسیه در روز اول ماه مه علیه فقر، بیکاری و سیاست های اقتصادی دولت یلتسین و جنگ در چین تظاهرات اعتراض آمیزی را ترتیب دادند.

مراسم اصلی اول ماه مه در مسکو مشترکا توسط فدراسیون اتحادیه های کارگری مستقل روسیه و حزب کمونیست فدراسیون روسیه سازمان داده شده بود. تظاهر کنندگان از ورود به میدان سرخ که برای مراسم سان و رژه دولتی به مناسبت جشن روز پیروزی بر فاشیسم در ۹ ماه مه (۱۹ اردیبهشت) آماده می گردید، ممنوع شده بود.

میخائیل شماکوف، صدر فدراسیون اتحادیه های کارگری مستقل روسیه، خطاب به جمعیت گفت: «اکنون ما می بایست نه فقط در مورد همبستگی و وحدت، بلکه جمع آوردن همه نیروهایمان برای تحمیل تغییر دولت در انتخابات آینده صحبت کنیم». رهبر ۶۰ میلیون کارگر عضو فدراسیون اضافه کرد: «این کشور به یک دولت جدید نیاز دارد، دولتی که به منافع مردم خدمت کند».

بخش عمده سخنان کنادی زیوکائف، رهبر حزب کمونیست فدراسیون روسیه به لزوم تدارک مبارزه انتخاباتی برای شکست دادن دولت یلتسین در انتخابات آینده اختصاص داشت. انتخابات پارلمان - دوما دولتی - قرار است در ماه دسامبر ۱۹۹۵ انجام بگیرد. زیوکائف گفت: «ما داریم به سوی انتخابات تاریخی ای می رویم که در آن مردم روسیه امکان بازپس گیری کنترل سرنوشت خود را دارند. حزب کمونیست حاضر است به منظور شرکت در انتخابات به یک بلوک نیروهای دموکراتیک بپیوندد، بلوکی که از منافع مردم زحمتکش دفاع خواهد نمود».

او در اشاره مستقیم به اظهارات ویکتور چرنومیردین، نخست وزیر روسیه، که در روزهای آغازین اردیبهشت قصد خود را به تشکیل یک بلوک انتخاباتی طرفدار دولت برای شرکت در انتخابات و بیرون راندن کمونیست ها و ناسیونالیست ها از پارلمان فاش کرده بود، گفت: «این دولتی است که سیاست هایش ۲۰ میلیون کارگر را بیکار کرده است... تقریباً ۴۰٪ جمعیت زیر خط فقر زندگی می کنند و ۱۴ میلیون نفر درآمدی کمتر از نصف سطح امرار معاشی که توسط خود دولت محاسبه شده است، دارند».

مگزیک

بیش از ۲۰۰,۰۰۰ نفر از زحمتکشانش در روز اول ماه مه به خیابان ها آمدند و به تظاهرات پرداختند. علی رغم لغو جشن های روز کارگر، برای اولین بار در ۹۲ سال اخیر، توسط رهبران جنبش اتحادیه های کارگری رسمی که ارتباط تنگاتنگ با دولت دست

دست دارد.

پرتغال

مرکز عمومی اتحادیه های کارگری پرتغال که از مراکز چپ و ترقیخواه جنبش کارگری اروپا می باشد، بعنوان ۴۷-مین عضو کنفدراسیون اتحادیه های کارگری اروپا پذیرفته شد. درخواست عضویت اتحادیه های کارگری پرتغال برای وارد شدن به کنفدراسیون به بهانه ارتباط ادعایی آن با کمونیست ها و نیز مخالفت یک مرکز دست راستی اتحادیه ای دیگر پرتغال به نام UGT، تاکنون رد می شد. اکنون تنها اتحادیه کارگری اصلی اروپا که در خارج از کنفدراسیون اتحادیه های کارگری اروپا قرار دارد، ث ت است که بزرگ ترین مرکز اتحادیه ای فرانسه می باشد.

فنلاند

رهبر حزب سوسیالیست دموکراتیک فنلاند که در انتخابات عمومی ماه مارس کنترل دولت را از یک ائتلاف تحت رهبری حزب میانه خارج ساخت، دولت ائتلافی مرکز-چپی را تشکیل داد. مارتی آهتیساری پس از مذاکرات بفرنج با محافظه کاران - اتحادیه چپ که شامل حزب کمونیست فنلاند است و نیز سبزها و حزب لیبرال سوئدی (نماینده اقلیت سوئدی نژاد ساکن فنلاند) دولت ائتلافی خود را که حمایت بیش از ۷۰٪ از ۲۰۰ عضو پارلمان را دارد، تشکیل داد. دولت ائتلافی پنج حزبی که هم شامل کمونیست ها و هم محافظه کاران است اولین وزیر عضو حزب سبزها را نیز در بر می گیرد. ۷ عضو کابینه ۱۸ نفره زن می باشند. یکی از اهداف اصلی دولت جدید، اتخاذ تصمیم هایی برای کاهش نرخ بیکاری است که در حال حاضر ۱۹٪ نیروی کار فعال را تشکیل می دهد.

ویتنام

بر طبق اولین ارقام رسمی که در مطبوعات ویتنام منتشر شده است، سه میلیون شهروند و جنگجوی ویتنامی در جنگ علیه امپریالیسم آمریکا کشته شدند. طبق این آمار بیش از یک میلیون سرباز ویتنام شمالی و ویت کنگ (مبارزان جنبش آزادیبخش ویتنام جنوبی) و دو میلیون غیر نظامیان در فاصله ۱۹۷۵-۱۹۵۴ کشته شدند، ولیکن مقامات دولتی گفتند که این ارقام هنوز کامل نیستند. در همین حال، رابرت مک نامارا، وزیر جنگ سابق و یکی از طراحان اصلی جنگ علیه مردم ویتنام در حین یک مصاحبه در مورد خاطراتش به کره افتاد. او پس از ۲۷ سال سکوت در حالیکه اشک می ریخت گفت: «ما به طور هولناکی خطاکار بودیم». این اعتراف به گناه از سوی کسی ابراز می شود که

ادامه در ص ۷



راستی حاکم دارد، کارگران و اعضای اتحادیه های کارگری در تظاهرات و راهپیمایی های خود علیه میزان سنگین بیکاری اعتراض کرده و خواستار اقداماتی برای حل بحران اقتصادی کشور شدند.

اتحادیه اروپا

براساس آمار منتشره از سوی اتحادیه اروپا، نرخ بیکاری در ماه فوریه به بیش از ۱۱٪ افزایش پیدا کرده است که نمایشگر یک جهش بزرگ در طول ۱۲ ماه گذشته می باشد. هم اکنون در ۱۵ کشور عضو (اتحادیه اروپا) بیش از ۱۸ میلیون نفر بیکار هستند. در میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا، اسپانیا با ۲۲/۵٪ بیکار در صدر لیست قرار دارد. فنلاند با ۱۷/۹٪ و ایرلند با ۱۴/۸٪ نرخ بیکاری در رده های بعدی قرار دارند.

ایتالیا

بدنبال اعلام نتایج انتخابات محلی و منطقه ای که در ماه گذشته انجام شد برای اولین بار در نیم قرن اخیر حزب دموکراتیک چپ (حزب کمونیست سابق) به عنوان بزرگ ترین و قدرتمندترین حزب کشور چهره نموده است. علی رغم پیش گویی های مغرضانه پنگاه های نظر سنجی، حزب دموکراتیک چپ ۲۴/۶٪ آراء را به خود اختصاص داد که در مقایسه با میزان رای حاصله در انتخابات پارلمانی یکسال پیش، حاکی از ۴/۲٪ افزایش است. حزب «فورزا ایتالیا» متعلق به نخست وزیر سابق، برلوسکونی، صاحب بزرگترین امپراطوری مطبوعاتی ۲۲/۴٪ آراء را به خود اختصاص داد که گرچه ۱/۴٪ از آراء آن در انتخابات پارلمانی بالاتر است ولیکن نسبت به ۲۰/۶٪ رایی که فورزا ایتالیا در انتخابات پارلمان اروپا هشت ماه قبل بدست آورد، خیلی کمتر است. حزب احیاء کمونیستی ۸/۶٪ آراء را تصاحب کرد که نمایشگر ۲/۴٪ افزایش است.

ائتلاف احزاب چپ- مرکز که تحت رهبری حزب دموکراتیک چپ قرار دارد، کنترل ۹ شورا از ۱۵ شورای منطقه ای سراسر خاک ایتالیا را در

بیانیه ۸۶ تن از ...

کننده اجتماعی مجال حضور و رشد پیدا خواهد کرد و جامعه را به سوی تباهی خواهد کشانید. فساد کسترده مالی و اداری در دستگاه های دولتی و نهادهای مختلف روز به روز ابعاد وسیع تری یافته و به شرم آورترین شکل چهره می نماید.

افزون بر نارسایی های بنیادی در سطح جامعه، فقدان یک مشی استوار و همه جانبه مبتنی بر مصالح و منافع ملی و ارزش ها و اصول اساسی حاکم در روابط بین کشورها در سیاست خارجی، این جبهه را در برابر فشارها، نیرنگ ها و مطامع سلطه جوینان بیگانگان آسیب پذیر ساخته، موجب سوء استفاده شده و بهانه به دست بیگانگان داده است. در این باره جا دارد نگرانی عمیق و اعتراض شدید خود را از سیاست های خصمانه دولت آمریکا و ابعاد جدید آن ابراز داریم، برنامه ها و اقدامات جدید دولت آمریکا علیه ایران تنها به تقابل با حکومت ایران محدود نمی باشد، بلکه فراتر از آن، اولاً تمامیت ارضی کشور را در معرض خطر جدی قرار داده است و ثانیاً مجازات همه جانبه ملت ایران محسوب می گردد. ژرفای بحران های حاکم بر کشور چنان است که اگر هر چه سریع تر، بر اساس شناخت آگاهانه از اوضاع و احوال داخلی و خارجی، یک سیاست جامع و اندیشمندانه و به دور از نکرش شعارگونه اتخاذ نشود و کشور ساماندهی نگردد، در آینده ای نزدیک با یک فاجعه ملی روبرو خواهیم بود.

شرایط بحرانی کنونی که با آن دست به گریبان گشته ایم، بیش از هر چیز عامل ساختار حاکمیتی است که اصل حاکمیت ملت را باور ندارد و از مشارکت مردم در کار تعیین آزادانه سرنوشت خود، نگران است و همین امر موجب یاس و بی تفاوتی جمع کثیری شده است. برای خروج از بن بست کنونی راهی جز استمداد از قاطبه ملت و سهیم ساختن آنان در رقم زدن سرنوشت این کشور نیست باید هرچه سریع تر شرایطی فراهم آید تا اکثریت خاموش و جمع بی تفاوت جامعه، با امید و نشاط به صحنه بازگردند و در سرنوشت خود

مشارکت موثر پیدا کنند. باید هرچه سریع تر موجبات بهره مند کشتن کشور از یک مجلس توانا و نقش آفرین فراهم گردد. حضور نمایندگان آگاه و صاحب اندیشه و کاردان و متکی به رای اکثریت عظیم ملت در مجلس، ساختار حاکمیت را در جهت روی کار آوردن کارگزارانی توانا و برخوردار از مدیرانی کارآمد و مسلط به زمینه های تخصصی برای برنامه ریزی و پاسخ گویی به مشکلات بسیار پیچیده و نگران کننده کنونی، تغییر خواهد داد. از این روست که باید موجبات انجام انتخاباتی آزاد و پرکنار از دخالت عوامل قدرت فراهم گردد.

فشارهای اجتماعی به طبقات مختلف، و تصفیه هایی برای کنار زدن افراد مورد قبول جامعه صورت گرفته است، سبب گردیده تا گروه کثیری از مردم از نظر روانی دچار دلدردگی و یاس و واژدگی شوند و نسبت به مسائل کشور و روند اوضاع، برخوردی بی تفاوت پیش گیرند. پدیده ای که هم در کار سازندگی و آبادانی کشور و هم در برابر تجاوزهای احتمالی خارجی، کشور را بشدت آسیب پذیر ساخته است. باید روانی پیش گرفته شود تا مردم نسبت به اثر شرکت خود در انتخابات معتقد گردند و با باور داشتن آزادی انتخابات و نس این نکته که قادر برآند نمایندگان منتخب خود را بدون هیچ گونه مانع و تصفیه ای از سوی حاکمیت، به شوراهای پیش بینی شده در قانون اساسی بفرستند، در سرنوشت خود شرکت کنند. زمانی که مردم احساس کنند که می توانند به یاری نمایندگان خود و تغییر سیاست گذاری ها و حرکت به سوی هدف های ملی رشد و توسعه نقش آفرین باشند، بدون شک با تمامی نیرو به صحنه خواهند آمد، و در راه تحقق برنامه های مترقی و سازنده و آباد کننده به تلاش خواهند پرداخت.

تحقق این خواست ها ایجاب می کند تا پرکنار از هر یاسی و ناامیدی و بی تفاوتی سیاسی و... مردم با تمامی نیرو و سازندگی در صحنه حضور یابند و بآپهره جستن از حقوق و آزادی های مصرحه در قانون اساسی یا تلاشی خستکی ناپذیر فعالیت کنند. باید در کوتاه ترین فرصت ممکن آزادی فعالیت های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی برای گروه های سیاسی و شخصیت ها و صف هایی که ملتزم به قانون بوده و به اصل حاکمیت ملی، استقلال و تمامیت ارضی

کشور، یکپارچگی و وحدت ملی معتقدند فراهم آید. باید آزادی گفتن و نوشتن و بهره جستن از رسانه های همگانی تامین شود و مردم بتوانند با رعایت موازین قانونی، بجای واکنش ها و یا شورش های کور، آزادانه به نقد عملکرد حاکمیت پرداخته و از هرگونه فشار و تهدید جو ارباب و خشونت در امان باشند.

باید هر چه زودتر از روزنامه هایی که بر خلاف قانون توقیف شده اند رفع توقیف شود و از اعمالی نظیر آنچه اتفاق افتاده و یک دستکاه اجرایی بدون رعایت قانون و بدون صدور حکم دادگاه اقدام به لغو امتیاز روزنامه هایی نموده به شدت جلوگیری شود، باید کلیه روش هایی که برای خارج ساختن کاندیداهای غیر موافق با حاکمیت از صحنه پیش گرفته شده کنار گذاشته شود و قرائنی که مجوز یا بهانه این گونه محدودیت ها کشته است لغو گردد. امضا کنندگان این بیانیه با توکل به خدای بزرگ و با ایمان به حسن تشخیص هوموطنان عزیز و با علم و اطلاع از تبعات و عواقب احتمالی صدور چنین بیانیه هایی، مرجعی را جز صاحبان اصلی این سرزمین برای بیان آلام مشترک نیافتند و راهی را که برای خروج کشور از بن بست های موجود پیشنهاد می کنند. ایجاد فضای آزاد سیاسی مناسب است که با شرکت عامه مردم به تدریج مشکلات با نیروی ... حل گردد. از همه هوموطنان عزیز درخواست می کنیم برای آنکه کشور از سقوط در ورطه هولناک نجات یابد در راه تحقق این خواسته کوشا باشند. کوشه گیری و بی تفاوتی دردی را درمان نمی کند. نادیده گرفتن کرامت های انسانی که آفریدگار بزرگ به بندگان خود عطا کرده و قهر و اعراض از حقوقی که قانون اساسی، که میثاق بین ملت و دستکاه حکومت است، مقرر داشته کفران نعمت و راضی شدن به سقوط کشور است. مطالبه حقوق قانونی و آماده شدن برای شرکت فعال در انتخاباتی که نیروی شما، تضمین کننده آزادی آن است تنها راه امید است که به خواست خدای بزرگ، کشور را از بن بست خارج کند.

با امید به یاری خدای بزرگ و با آرزو برای پایدگی و سربلندی کشور و ملت عزیز ایران.

اردیبهشت ۷۴

احمد آریانفر- محسن آل علی- عباس ابوذر- عبدالعلی ادیب برومند- علی اردلان- محمد رضا اسلامی- جواد اطمینانی- فرهاد امیر ابراهیمی- مهندس ابوالفضل بازرگان- مهندس عبدالعلی بازرگان- مهندس مرتضی بدیعی- محمد بسته نگار- محمد علی بهنیا- دکتر نور علی تابنده- مهندس عباس تاج- مهندس محمد توسلی- مهدی چهل تنی- مهندس اسماعیل حاجی قاسم- مهندس حسین عزیزی- حسن حسینی اردهالی- مهندس ابوالفضل حکیمی- منوچهر حیدری منفرد- ابراهیم خسروی زاده فروشالی- محمد خلیل نیا- غلامحسین خیر- دکتر حبیب داوران- جمال درودی- مصطفی دیبا مهر- عبدالله رادنیایا- حسین راضی- اصغر رضایی- دکتر سیف الله رضایی- مهندس کورش ذبیح- دکتر احمد سپهری- مهندس میر هاشم سجادی- دکتر یدالله سبحانی- مهندس عزت الله سبحانی- دکتر فریدون سبحانی- محمد علی سفری- حسین سکاکی- حسین شاه حسینی- عباسعلی شهبازی- احمد شهنش- مهندس هاشم صباغیان- احمد صدر حاج سید جوادی- مظفر صفری- مهندس اکبر طاهری- حسن طالبی- احمد عسکری راد- ابراهیم عینچی- مهندس مصطفی فاضلی- دکتر غفار فرزندی- دکتر حسین فرید اعلم- سید باقر قدیری- دکتر نظام الدین فهاری- دکتر رحمن کارکشا- ناصر کمپلیان- عبدالکریم کنی- ناصر کورنگ- سید جواد مادر شاهی- ناصر مجالی- محمد محمدی اردهالی- مهندس غلامرضا مسمومی- علی اصغر معین فر- مهندس علی اکبر معین فر- دکتر محمد ملکی- حمید ملکی- هرمز میزی- حمید منز- خسرو منصوریان- مهندس نظام الدین موحد- هادی مرتضی- دکتر احمد مهرراد- ابوالفضل میر شمس شهنشانی- مهندس محسن نراقی- مهندس احمد نعمت زاده- دکتر علی اکبر نقی پور- دکتر پرویز ورجاوند- دکتر محمد هادی هادی زاده- حسن هادی فر- عبدالحسین هراتی- دکتر ابراهیم یزدی- مهندس حبیب یکتا- حاج محمد حسن یگانه- حسن یوسفی اشکوری.

آیا برپایی دگرباره ...

کشورهای سوسیالیستی اروپا پیش از ممالک کاپیتالیستی این قاره، و نیز آمریکا و ژاپن، پارچه تولید می کردند. در آمار چین و هند، نمودار رقمی بالاتر را نشان می دهد. مساحت مسکون، در کشورهای سوسیالیستی، با نظمی بیشتر به نسبت گروه های اجتماعی سکنه تقسیم شده و به گونه ای کامل تر متناسب با نیازهای انسان است. در واقع، در کشورهای سوسیالیستی، بی خانمانی، که پدیده ای ویژه برای «ترقی جامعه» غربی است، وجود ندارد. کشورهای سوسیالیستی اروپا از لحاظ کیلومتر شماری راه آهن، به نسبت سکنه، بر کشورهای سرمایه داری سبقت جستند (اما در مورد حمل و نقل هوایی، در اینجا اختلاف اساسی وجود نداشت).

مزیت و برتری غرب از لحاظ اشباع عظیم اتومبیل های سبک آن، با توجه به این امر که تقریباً ۶۰٪ آلودگی هوا ناشی از آن است، مورد تردید است. بلغارستان از لحاظ تولید اتومبیل های سبک (به نسبت ۱۴۷ در برابر ۱۲۵ اتومبیل برای ۱۰۰۰ نفر) و همچنین تلویزیون، بر همسایه خود یونان پیشی جست.

کیفیت زندگی نه تنها به وسیله رفاه مادی مردمان، که سطح آموزش و فرهنگ آنان نیز مشخص می شود. اطلاعات نشر یافته از سوی یونسکو، برحسب نظام آموزشی سکنه و به نسبت وجود کنسرت ها، تئاترها، سینماها و تیراژ کتاب های منتشر شده، نمایانگر سطح آموزش و فرهنگ ملت مورد بحث است. در اینجا نیز مزیت و رجحان از آن کشورهای سوسیالیستی است.

در کنار ویژگی های عینی رفاه مادی، آموزش و فرهنگ، این مساله حائز اهمیت است که مردم در زندگی واقعی، خود را چگونه احساس می کنند. و واقعیت ها در این باره حاکی از آنند که در هر ۱۴ دقیقه، در آمریکا،

یک نفر بر اثر شلیک گلوله می میرد. مجله «اکونومیست» می نویسد: در آمریکا، هر سال شمار آمریکائینی که به وسیله اسلحه، در نتیجه قتل و خودکشی های ناشی از شرایط غیر عادلانه معدوم می شوند، بیش از شمار آمریکائینی است که در سال های ۱۹۵۳-۱۹۵۰ در جنگ کره به هلاکت رسیدند. پلیس، تنها در یک سال، ۱۴ میلیون فقره جرم و جنایت ثبت کرده است. بنابر تحقیقات و بررسی هایی که به وسیله هفته نامه «بیزنس ویک» انتشار یافته است جرایم و جنایاتی که آمریکائیان مرتکب می شوند روزانه به بهای ۴۲۵ میلیارد دلار تمام می شود. هزینه های جرم و جنایت پسی فزوتتر از بودجه نظامی است که ۳۰۰ میلیارد دلار است. برطبق تحقیقات مولف، علت اصلی جرم و جنایت (در آمریکا)، اقتصادی، از جمله بیکاری، مزد کم و سطح نازل آموزش است. حتی رایه، وزیر کار ایالات متحده آمریکا و پروفیسور اقتصاد، چنین اعتراف می کند: «بیکاری در کشورهای صنعتی به حد انفجاری مخاطره آمیز، یعنی ۱۱ درصد، نزدیک شده است. پس از سال ۱۹۷۰، در آمریکا، مزدها و درآمدهای کارگران برخوردار از دستمزدهای بالا افزایش یافت، و در طبقه میانی در همان سطح پیشین باقی ماند، لیکن دستمزد و عایدی کارگران کم مزد تقلیل پیدا کرد».

توصیه باشکاه (کلوب) رم تصادفی نیست، زیرا ضمن اعلام اینکه امیدهای بسیاری به اقتصاد بازار در اروپای شرقی دارد، همزمان، توصیه می کند «نباید به هیچ اقدام قطعی دست زد، و باید برخی جنبه های مثبت سوسیالیسم را حفظ کرد»، و این نه به علت نگرانی از مردم و برای آنکه «در غیر این صورت، مخالفت و مقاومت در برابر سرمایه داری به وجود می آید». اف. اسللا، سخنگوی برنامه توسعه سازمان ملل متحد، بر این باور است که «یکی از مزایا و فواید سوسیالیسم، کمک اجتماعی است که هر بخش از سکنه نشان می دهد. در بسیاری از کشورهای پیشرفته، بی خانمان ها در خیابان بسیاریند، شما این را ندارید. بازار آزاد، بخش خصوصی؟ بلی! اما دفاع و حمایت

اجتماعی از مردم را حفظ کنید».

جالب است، چرا چنین توصیه ها و اندرزهایی از سوی کشورهای پیشرفته به کار نمی رود؟ واضح است برای اینکه - این واقعا روشن است - مسایل اساسی زندگی آدمی به وسیله مکانیزم های بازار آزاد قابل حل نیست. به همین علت، اکنون در غرب، شمار پیشگوییانی اندک نیست که از این نظریه جانبداری می کنند که «سوسیالیسم باز خواهد کشت». ل. ژوف رن عقیده دارد «ولی به گونه نوین، چنانکه بسیاری چیزها ثابت می کند، باز خواهد کشت».

هر انسان منطقی و فرزانه ای، بالاخص پس از گذشت مدت زمانی، درک می کند که چه خطاها و انحراف های بسیار در کار بود که امکان نداد مزایای سوسیالیسم به عنوان سیستم اقتصادی به حد کفایت آشکار شود. و در اینجا به سند کنفرانس بازرگانی و توسعه در سال ۱۹۹۲ رجوع می کنیم. در این سند آمده است: «تجربه چین نشان می دهد که در صورت برخورداری از مزایای برنامه ریزی متمرکز و بازار - و نه تعویض یکی به وسیله دیگر - می توان به آهنگ عالی تر رشد دست یافت. به هر حال، در چین، بر خلاف اروپای شرقی، اصلاحات نتیجه شکست سیستم های سیاسی نبوده است».

لیکن، جدا از همه این سرخوردگی های مردم از سرمایه داری وحشی، که بازگشت آن در لهستان، مجارستان و سایر کشورهای اروپای شرقی آغاز شده است، دلایلی اساسی به سود رجحان و برتری اقتصادی و اجتماعی سوسیالیسم نمودار گشته است که غنای آن به وسیله تجربه و علم معاصر تضمین می شود.

**نظرات دکتر کرودی ژولف،
دانشمند اقتصاددان بلغاری
"پراودا"، ۲۱ فوریه ۱۹۹۵**

اخبار خارجی ...

مسئولیت بکارگیری اسلحه های ترسناک و بمب های شیمیایی برای به زانو درآوردن خلق ویتنام را به دوش می کشد. جنگ وحشیانه تحمیلی از سوی امپریالیسم آمریکا ویتنام را به خرابه ای بدل نمود و بخش های وسیعی از قلمرو آن را به یک زمین سوخته بدل کرد. مک نامارا پس از جنگ، رهبری بانک جهانی را در دست گرفت و سیاست پایکوت اقتصادی ویتنام را دنبال کرد. او هیچگاه پیشنهاد نکرد که در مقابل تمامی جنایاتی که امپریالیسم یانکی علیه خلق ویتنام

مرتکب شد - به عنوان غرامتی برای تمامی خرابی ها - جان های از دست رفته و صدمات به محیط زیست - جزیی از میلیاردها دلار تحت کنترلش را به ویتنام، لاوس و کامبوج کمک نماید. خلق ویتنام و دیگر مردم جهان با چنین ابراز ندامت هایی، جنایات امپریالیسم را فراموش نخواهند کرد.

ژاپن

ائتلاف حاکم که زیر رهبری حزب دست راستی لیبرال دموکراتیک می باشد در انتخابات محلی شکست سختی خورد. این اولین آزمایش



آیا برپایی دگرباره سوسیالیسم محتمل است؟

اروپا (۲/۵٪) توسعه می یابند. استنتاج هایی مشابه در سال های ۱۹۸۵-۱۹۸۰ و در تحقیقات و بررسی های کنفرانس سازمان ملل متحد پیرامون بازرگانی و توسعه (یونکتاد) انجام گرفت. این تحقیقات، مزیت و ربحان بسیار آهنگ رشد تولید ناخالص ملی، به نسبت سکنه، و فعالیت اقتصادی در کشورهای سوسیالیستی اروپا (به میزان ۲/۵٪) و آسیا (به میزان ۸/۱٪) را در قیاس با کشورهای واجد اقتصاد بازار (۱/۹٪ و ۱/۴٪) نشان می دهد. برپایه شاخص های منفی مربوط به کشورهای در حال رشد (۰/۵ درصد)، چنین ارزیابی ها و پیش بینی هایی نیز در سال های ۱۹۸۹-۱۹۸۶ انجام گرفته بود. حتی اطلاعات مربوط به تولید ناخالص ملی به نسبت سکنه، که به وسیله ر. سامرس و آ. هستون انتشار یافته، و به وسیله آنان برپایه روش واحد و ارزیابی های قیاسی استنتاج شده است- ضمن تعمیم آن ها در گروه کشورها- و نمایانگر فرایندهای ناشی از اقتصاد جهانی است، نشان می دهد که در سال های ۱۹۸۵-۱۹۵۰ نه تنها هماهنگی اقتصادی وجود داشته، بلکه برابر سازی سطوح، میان کشورهای سوسیالیستی و غیر سوسیالیستی نیز وقوع یافته است (اختلاف میان آنان از ۲۰۵ درصد به ۱۰۲ درصد سال ۱۹۵۰ کاهش پیدا کرده است). ضمناً نزدیکی اساسی سطوح اقتصادی کشورهای سوسیالیستی اروپا چه با کشورهای پیشرفته و چه با پیشرفته ترین آن ها، یعنی کشورهای «هفتگانه» به وقوع پیوست.

حتی پس از فروپاشی نظام سوسیالیستی، در گزارش های سازمان ملل متحد اطلاعاتی حاکی از ربحان کشورهای سوسیالیستی اروپا نسبت به دولت های واجد اقتصاد و بازار، وجود داشت. اطلاعاتی که به وسیله سامرس و هستون مورد استناد قرار گرفته اند، علی رغم عدم کفایت، گرایش به توسعه ارائه شده تا سال ۱۹۹۱ را تایید می کنند. ممکن است آنچه از سوی سازمان ملل متحد و نیز انستیتوی ملی آمار بلغارستان، به عنوان «بلغارستان و جهان در ارقام»، در مورد سال ۱۹۹۲- که در آن اطلاعات کافی ذکر و حتی محل هر کشور برپایه زمینه توسعه اقتصادی، نشان داده شده- انتشار یافته است، مورد تردید قرار گیرد. از این قرار، براساس موضوع هایی که به وسیله سازمان های واجد تخصص سازمان ملل

متحد، و همچنین مولفان غربی انتشار یافته است می توان سه نتیجه گیری اساسی، که مورد تایید واقعیت هاست، به عمل آورد:

نخست آنکه، کشورهای واجد اقتصاد پیشرفته بازار به تصاحب منابع کشورهای دیگر، به ویژه کشورهای در حال رشد ادامه می دهند، و بنابراین، این تردید پیش می آید که گزارش ها و سنجش های مربوط به استانداردهای اقتصادی که کشورهای مجزا، و نه همه سیستم ها، بدان دست می یابند، صحیح باشد. جابه جایی و انتقال گسترده و مهم منابع اقتصادی و مالی به کمک صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، صرف نظر از عوامل دیگر نیز که کمتر مرئی و شناخته شده اند، ادامه دارد. کنفرانس بازرگانی و توسعه سازمان ملل متحد، مبادله نابرابری را، ضمن استناد بر نمودار متوسط قیمت ها در کالاهای صنعتی صادراتی کشورهای توسعه یافته واجد اقتصاد بازار (۱۴۳٪) در ارتباط با نمودار سوخت در این کشورها (۶۷٪)، تنها در جریان سال های ۱۹۸۹-۱۹۶۸، نشان می دهد.

ایالات متحده آمریکا، به عنوان مثال، به وامدار جهان بدل شد. برپایه اطلاعات رسمی، آمریکا تقریباً تریلیون دلار وامدار بود. کاملاً برعکس (بدون محاسبه کمک های بلاعوض، درصد های بهره و جز آن)، برپایه اطلاعات کنفرانس بازرگانی و توسعه سازمان ملل متحد، دیون اتحاد شوروی، در پایان سال ۱۹۹۲، حدود ۱۴۳ میلیارد دلار بود، که به طور کلی از سوی کشورهای در حال رشد بازپس داده نمی شد. دیون کشورهای توسعه یافته نیز ۷۸ میلیارد بود. درباره ویژگی روابط اقتصادی در چارچوب پیمان ورشو، حتی می توان گفت که درآمد بلغارستان از بازرگانی متقابل، تنها در یک سال، ۳ تا ۴ میلیارد دلار بود. و این ناشی از مبادله متناوب با اقتصاد بازار بود.

ثانیا، اقتصاد کشورهای سوسیالیستی در قیاس با ممالک غیر سوسیالیستی، کارآتر بود، و با تحرکی بیش از کشورهای واجد اقتصاد پیشرفته بازار توسعه می یافت. تحقیقات و بررسی های سازمان ملل متحد سبقت در خور توجه میانگین سالانه آهنگ باروری در سال های ۱۹۷۲-۱۹۶۶ و ۱۹۸۵-۱۹۷۳ را به مثابه عامل تولید در کشورهای واجد اقتصاد برنامه ای متمرکز نشان می دهد. به گواهی ر. سامرس و آ. هستون، تولید ناخالص ملی به نسبت سکنه در جمهوری دموکراتیک آلمان- در سال های ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰- سریع تر از جمهوری فدرال آلمان رشد کرد (به نسبت ۴۱۲٪ در برابر ۲۹۶٪). جمهوری فدرال آلمان با استاندارد صنعتی بالاتر و وسایل عظیمی که براساس برنامه مارشال (از آمریکا) دریافت کرده بود به تقلیل آفت، به میزان تقریباً ۲۲٪، نایل آمد. حتی پاولیک، رئیس شورای وزیران لهستان، امروز، کارآیی تعاونی ها و بخش خصوصی را تایید می کند. در بلغارستان نیز وضعی مشابه وجود داشت، و آمار سه ساله این نتیجه گیری را تایید می کند.

سوم آنکه، در کشورهای سوسیالیستی، آهنگ رشد مصرف و ارتقا سطح زندگی اقشار عظیم سکنه بالاتر بود. این امر نه تنها به وسیله دینامیسم تغییر قیمت این و آن فرآورده، بلکه برپایه اطلاعات ملموس نیز مورد تایید قرار می گیرد. بدین سان، براساس اطلاعاتی که از سوی سازمان ملل متحد انتشار یافته است مصرف روزانه پروتئین به وسیله هر شخص، در سال ۱۹۸۹، در کشورهای سوسیالیستی اروپا ۱۰۶ واحد بود، حال آنکه در کشورهای پیشرفته سرمایه داری ۱۰۲/۶ بود. بلغارستان از این لحاظ در میان ۱۳۵ کشور مقام ششم را داشت. ادامه در ص ۷

کمک مالی به حزب توده ایران يك وظیفه انقلابی است!

کمک های مالی رسیده:

زویا از لندن ۵۰ مارک
از بلژیک ۱۵۰۰ فرانک
رفیقی از جنوب آلمان ۱۰۰۰ مارک

NAMEH MARDOM
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

1- Postfach 100644 , 10566 Berlin, Germany
2- B.M.Box 1686, London WC1N 3XX, UK

No:454
23 May 1995

شماره فاکس ما
۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۴۱۶۲۷

